

گروه های تکفیری چه کسانی هستند؟

در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غربیان گام برمی دارد.

در حضور این افراد در محافل و جوامع و انتشار آثار و فرآورده های فرهنگی آن در برخی از مراکز، باعث جلب توجه برخی از جوانان پرشور که از اقدامات سرکوبگرانه اشغالگران به ستوه آمده اند، شده است.

سیر تحول

سلفی ها روایات خود را مستقیماً از احمد بن حنبل (متولد ۲۴۱)، احمد بن تیمیه (متولد ۷۲۸)، ابن القیم الجوزیه (متولد ۷۵۱) و محمد بن عبدالوهاب تمیمی نجدی (متولد ۱۱۱۵-۱۲۰۶) می گیرند. سلفیه بعد از محمد بن عبدالوهاب به صورت یک شکل و ساختار سیاسی درآمد و هم پیمانی وی با محمد بن سعود پایه گذار حاکمیت آل سعود در عربستان به این روند تسریع بخشید. پیوند میان علما و حاکمان سعودی گرچه دچار تغییر و تحول شده است و شیوخ وهابی از برخی اختیارات خود از جمله بازداشت و امر قضا بازماندند اما در عین حال هنوز هم از وضعیت و جایگاه خوبی در نظام سیاسی سعودی برخوردار هستند. علاوه بر سرزمین حجاز، مصر نیز از تغییر و تحولات عقیدتی برکنار نماند و سلفی های این کشور با اقدامات و فعالیت های حسن البناء و جنبش اخوان المسلمین، سیر جدیدی در آموزه های عقیدتی اهل سنت تجربه کردند و باب های جدیدی برای این گروه جهت گشودن روزنه های محدود اجتهاد باز شد. اما با مرگ زودهنگام حسن البناء جنبش اخوان المسلمین تحت تأثیر اندیشه های دو شخصیت، به نام های ابوالاعلی مودودی و سید قطب قرار گرفت و آنها ضمن تثبیت روش پای بندی به متون دینی بر اساس دیدگاه های خاص فقهی خود، دیدگاه تکفیر را پی ریزی کردند.

سید قطب که تحت تأثیر اندیشه های ابن قیم جوزی در خصوص رفتار با اهل کتاب بود این اعتقاد را داشت که اهل کتاب تا زمانی که جزیه پرداخت می کنند می توانند در سرزمین های اسلامی با آرامش زندگی کنند در غیر این صورت مسلمانان باید با آنان به جهاد بپردازند. حمایت عربستان و کشورهای حاشیه ای خلیج فارس هماهنگی فراوانی میان سلفیون سنتی و جنبش اخوان المسلمین ایجاد کرد. از سویی دیگر دیدگاه ضد سوسیالیسم سلفیون جدید به خصوص در جریان جنگ های نیروهای جهاد افغانستان با شوروی مورد توجه شیوخ وهابی عربستان قرار گرفت.

رشد جریان تکفیری

در نهایت سلفیه با اعلام تشکیل جبهه جهانی اسلام برای جهاد با یهودیان و صلیبی ها به رهبری بن لادن عربستانی و ظواهری مصری بیش از پیش توجه به گرایش های مبارزاتی را مورد توجه خود قرار داد. بی

تردید حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطف در تاریخ تحولات معاصر است. جریان اسلام سلفی که بعد از عربستان سعودی در قالب جنگجویان طالبانی ظاهر شده بود منافع بسیاری از کشورهای منطقه را به خطر انداخت.

قرائت خشن و متحجرانه از سنت نبوی و برداشت های ظاهری از آیات قرآن، طالبان را بر آن داشت که حتی برای مخالفان فکری و سیاسی خود نیز تعیین تکلیف کنند و رسالتی فراتر از قد و اندازه خود در نظر بگیرند. این جریان فکری خود را در محدوده جغرافیایی افغانستان محدود نکرد بلکه برای خود مسئولیت اشاعه تعالیم اسلام مبتنی بر قرائت سلفی به سایر کشورهای منطقه را در نظر گرفته بود. این گروه ضمن اختلاف نظر با سایر گروه های سنی، سرسختانه نسبت به شیعیان کینه می ورزید و به همین خاطر به مراتب سیاسی خشن در قبال آنان به کار برد. حوادث ۱۱ سپتامبر باعث ارتقای جایگاه راهبردی گروه های نظامی و شبه نظامی و محوریت قرار گرفتن تفکر القاعده شد. چنین پدیده ای از زمان پیدایش، عمدتاً از سوی تفکر استراتژیک کاخ سفید مورد حمایت قرار گرفت اما بعدها با توجه به اصطکاک منافع آنان در منطقه، نزاعی عمیق میان آنان در گرفت و در نهایت باعث تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان شد.

علاوه بر افغانستان، یکی دیگر از مراکز رشد سلفی گری، لبنان است. جریان سلفی شام در دمشق توسط ناصرالدین الالبانی ظهور کرد. تفکر سلفی در اواخر دهه ۵۰ توسط تعدادی از طلاب مراکز دینی عربستان به لبنان راه یافت. مهم ترین این افراد شیخ سالم الشهبال و شیخ عبدالرزاق الزغبی بودند. این دو نفر طرابلس را به مرکز گسترش و ترویج تفکر سلفی در تمام مناطق لبنان تبدیل کردند. فعالیت سلفی ها در لبنان از طرابلس شروع شد. از سال ۱۹۷۷ سلفیه به نحو چشمگیری توسط افرادی که محورشان شیخ سالم الشهبال بود، فعال شد. در سال ۱۹۸۱ به صورت تشکیلات منظم و سازمان یافته، فعالیت خود را شروع و جمعیت نواه الجیش اسلامی را بنیان گذاری کردند. این تشکیلات در کنار سایر تشکیلات و نیروهای اسلامی سنی که عرصه را تحت سیطره خود داشتند از جمله جنبش توحید اسلامی یا جماعت اسلامی حضور کم رنگی داشتند. با فروپاشی جنبش توحید اسلامی بعد از حوادث طرابلس در سال ۱۹۸۵ سلفی ها امکان توسعه و گسترش بیشتری یافتند و توانستند ویژگی های عقیدتی خود را به عنوان یک جماعت مستقل ابراز کنند. حضور آنان به طور متمرکز و قوی در طرابلس و برخی مناطق شمال از جمله عکار و الضنیه به چشم می خورد. در کل، مناطق شمال به علت استقرار اکثر شخصیت ها و موسسات سلفی لبنانی برای سلفی ها اهمیت خاص دارد. همچنین حوادث سال های اخیر که در این مناطق بین دولت و سلفی ها روی داده است مانند حوادث ظنیه، انفجار کلیساها و حمله به منافع غربی ها و غیره و به تبع آن تحولات و اقدامات امنیتی دستگاه های دولتی، شمال را به پایگاه و مرکز تجمع سلفی ها تبدیل کرده است.

در اواسط دهه ۹۰ جنبش سلفیه دستخوش بحران‌ها و حوادث تعیین کننده ای شد که به تضعیف فعالیت آن انجامید. زیرا دستگاه امنیتی لبنان به علت بمب گذاری‌ها و جنایات و ترورهای که پیروان این جنبش مرتکب می‌شدند آنها را تحت فشار قرار داد. پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ فشارهای امنیتی بر گروه‌های سلفی تشدید شد. با بررسی پراکندگی جمعیت‌ها، مدارس و مراکز آموزشی و دینی سلفیه و نیز ساخت مساجدی در روستاهای فقیر و استفاده از این مساجد برای تبلیغ مذهب سلفیه می‌توان به روند گسترش چشمگیر سلفی‌ها در شمال لبنان پی برد. حجم رشد و گسترش سلفیه را در این مناطق می‌توان با انجام مقایسه‌های ساده دریافت. برای مثال از مجموع هفتاد مسجد در شهر طرابلس، ۱۶ مسجد متعلق به سلفی‌ها است در حالی که دارالافتاء با وجود انبوه امامان تابع خود فقط ۱۳ مسجد و جنبش توحید و جماعت هر یک فقط ۷ مسجد را در اختیار دارند. در عکار حدود ۲۱۰ مسجد وجود دارد که در روستاها و شهرهای کوچک پراکنده اند. از این تعداد ۲۷ مسجد متعلق به وهابی‌ها است که در آن به انجام وظایف نماز جماعت و تدریس می‌پردازند.

جریان مشکوک فتح الاسلام در لبنان و تحریکات نظامی این گروه در اردوگاه نهر البارد نیز ناشی از تلاش‌های جریان‌های افراطی اهل سنت برای تاثیرگذاری در تحولات منطقه به خصوص لبنان بود. گزارش‌ها حاکی از آن بود رهبری این جریان به عهده فردی بنام "ابو خالد العلمه" بود که سابقه عملیات تروریستی در عراق و همکاری با "ایمن الظواهری و زرقاوی" را داشت. وی بواسطه برخی اقدامات خرابکارانه علیه شیعیان تحت تعقیب قرار گرفت و مدتی نیز در سوریه زندانی شد.

وی بعد از آزادی از زندان با همکاری یک اردنی فلسطینی تبار بنام شاکر العیسی اقدام به تاسیس گروه فتح اسلام کرد. العیسی که در سال ۱۹۷۰ وارد سازمان فلسطینی فتح شده بود اما بعدها جزو گروه‌های شورشی علیه عرفات درآمد و در سال ۱۹۹۰ به القاعده پیوست. وی در سوریه تحت تعقیب بود و در مدت سه سال در زندان به سر برد. العیسی بعد از آزادی از زندان با زرقاوی ملاقات داشت و در نهایت بعد از توافق با العلمه گروهی با نام فتح الاسلام شکل گرفت. این گروه وارد خاک لبنان شد و اقدامات تروریستی متعددی را در این کشور مانند انفجار مینی بوس حامل مسافران، برهم زدن اعتصابات ضد سینوره و اختلاف بین شیعه و سنی انجام داد. پرونده گروه فتح الاسلام در نهایت با دخالت دولت سینیوره و خویشتن داری حزب الله لبنان بسته شد اما کارشناسان و صاح نظران سیاسی این تلاش‌ها را در راستای کاهش اقتدار حزب الله ارزیابی کردند. براساس نظر تحلیل گران، آنچه در لبنان روی داد بخشی از سناریوی ناتمام آمریکایی-اسرائیلی بود که در سیاست آزمون و خطا از زمان جنگ سی و سه روزه در سال گذشته با قوت بیشتر در حال تجربه شدن بود.

از دیگر نقاطی که، جریان تکفیری ها به صورت فعال در حوادث سیاسی نقش آفرینی می کنند سرزمین اشغال شده عراق است. در حال حاضر یک دولت شیعی در این کشور در راس امور اجرایی عراق قرار دارد اما حضور عناصر شیعی منافع برخی از سران منطقه، بعثی ها و گروه های تندروی سنی مذهب این کشور را به مخاطره انداخته است. با توجه به وجود خاطره هشت سال دفاع ایران از مرزهای خود و حمایت همه جانبه سران عرب منطقه از صدام حسین در جنگ تحمیلی، تصویری از دیکتاتور بعثی به عنوان سرداری مدافع عربیت و مذهب اهل سنت در برابر خطر عجم های شیعی مسلک در باور سنیان عراق و سایر کشورهای منطقه چنان نفوذ کرده بود که تصور می کردند حضور ایرانیان در عراق و برقراری پیوند مستحکم میان شیعیان منطقه، حیات سیاسی عرب و نفوذ مذهب اهل سنت را به خطر خواهد افکند. گذشته از این، چون حوادث پیش آمده باعث تضعیف حزب بعث شده بود برای رهایی از این تنگنا، اتحادی استراتژیک میان سنیان ناراضی و عناصر حزب بعث شکل گرفت. از بعد مذهبی نیز القاعده امکان بیشتری را برای جولان دادن در مناطق سنی نشین یافت. از این پس، روند خشونت در عراق شتاب بیشتری به خود گرفت و تکفیری ها در این کشور عرصه را برای اقدامات خود مناسب دیدند. گرچه وقوع جنگ مذهبی در خاورمیانه تازگی ندارد اما افزایش چنین نزاع هایی در پاکستان و عراق به یک نگرانی عمده تبدیل شده است و متاسفانه نشست های مشترک شیعه و سنی که آخرین آن کنفرانس مکه در مهره ماه ۸۵ بود نتیجه ای قابل ملاحظه دربر نداشته است.

یکی از عوامل مهم درگیری های خونین منطقه، بحث تکفیر شیعیان و مطرح کردن آن از سوی علما و روحانیون افراطی وهابی و سلفی است که باعث قربانی شدن بسیاری از شیعیان بی گناه در منطقه شده است. جالب اینجاست که به جای برخورد مناسب و معقولانه با این پدیده و اعلام برائت از اقدامات خشن و سرکوبگرانه، در آذر ماه ۱۳۸۵ سی و هشت نفر از علمای سلفی عربستان سعودی در بیانیه ای ضمن ابراز تاسف از سقوط بغداد آن را توطئه مشکوک صلیبیون، روافض و صفویان دانستند و هدف از آن را حفاظت و حمایت از اشغالگران و تحدید نفوذ اهل سنت در منطقه و ایجاد هلال شیعه و تجزیه عراق به سه منطقه کردی، شیعی و سنی خواندند. کاملاً مشخص بود که در این نوع تقسیم بندی روافض یعنی شیعیان، صفویان همان ایرانیان و اشغال گران نیز سربازان صلیبی هستند.

یکی از بهانه های مهم علمای اهل سنت برای بکارگیری حربه تکفیر علیه شیعیان بحث غلو در مورد ائمه اطهار است. توهین به صحابه و همسران پیامبر، عدم دخالت اهل سنت در مناصب سیاسی، ممانعت از احداث و تاسیس مسجد در برخی از مراکز شهری مدعیات سنیان در مورد حکومت شیعی ایران است. غربی

ها نیز این اختلافات را از نظر دور نگه نداشته و ضمن ایجاد شرایط برای اختلاف انگیزی میان شیعه و سنی ترس موهم از اسلام را نیز مطرح کردند.

سازمان ها و جنبش های متعددی که حول محور القاعده در عراق فعالیت می کنند، عبارتند از:

۱- سازمان قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین

این سازمان خطرناک ترین گروه تروریستی عراق است که اساس فعالیت های آن شامل بمب گذاری خودروها، ترور و آدم ربایی، کشتن بی گناهان، سربردن و مثله کردن اجساد است. این سازمان ارتباط مستحکمی با سازمان های نظامی بعثی مثل "ارتش اسلامی عراق - گردان های ثوره العشرين" دارد و با سازمان های تروریستی جهانی هم ارتباطات مستحکمی دارد.

حوزه فعالیت این سازمان مناطقی چون انبار، موصل، تکریت، دیالی و حومه های جنوبی و شمالی و غربی بغداد است. ساختار نظامی آن را غیرنظامیان افراطی داخلی و خارجی تشکیل می دهد و از بدو تاسیس رهبری آن به عهده ابومصعب زرقاوی بود.

۲- ارتش انصار السنه

این جمع از سنی های افراطی تشکیل شده و اعضای آن را سنی های افراطی عراقی و غیرعراقی و برخی از عناصر رژیم سابق تشکیل می دهند. حوزه فعالیت این گروه مرکز و شمال عراق است و از هم پیمانان سازمان "قاعده الجهاد فی البلاد الرافدین" است. محمد الجحیشی از رهبران برجسته این گروه به حساب می آید.

۳- ارتش اسلامی عراق

این گروه از اسلام گرایان افراطی و عناصری از رژیم سابق تشکیل شده است. حوزه فعالیت این گروه مرکز عراق است ضمن اینکه در موصل و بصره هم هسته هایی دارد.

۴- حزب التحرير

هدف اعضای این گروه ایجاد حکومتی خلافتی در عراق و بیرون راندن کفار از عراق است. این گروه با سازمان "قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین" در ارتباط است و حوزه فعالیت آن دیالی و برخی از بخش های بغداد است.

۵- جیش الطائفه المنصوره

این گروه در اواخر ژوئیه ۲۰۰۵ ظهور کرد. پرتاب خمپاره به سمت زائران امام موسی کاظم در تاریخ ۱۳ آگوست ۲۰۰۵ از سوی این گروه بر عهده گرفته شد و اولین بیانیه آن در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۵ از طریق اینترنت منتشر شد و در آن ادعا شد که این گروه پس از سقوط رژیم صدام تاسیس شده است. فرمانده آن گروه "ابوعمر انصاری" است و ابوسامه نیز سخنگوی این گروه است. حوزه فعالیت این گروه در مناطق الطارمیه المشاهده، التاجی، الطیفیه، و عویریح است.

۶- گروه یاران اهل سنت (مناصروا و اهل السنه)

این گروه در ژوئن ۲۰۰۵ ظهور کرد و بیانیه تاسیس آن در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۰۵ صادر شد و حوزه فعالیت آن گروه مرکز و جنوب عراق (بصره) است و در منطقه الدوره، بغداد و ابورشید هم فعالیت هایی دارد. این گروه انفجار کمربند انفجاری در مسجد شیعیان در جاده بغداد به بصره را که به کشته شدن ۴۶ غیرنظامی منجر شد و همچنین ربودن و قتل رییس اتحاد الکرآتیه در بابل را که یک شیعه بود، بر عهده گرفت. علاوه بر این تعدادی از اعضای کادر سازمان بدر (سپاه پدر) در منطقه الطلیعه در مسیر بغداد به حله را به قتل رساند. گروه یاران اهل سنت قتل بیست نفر را که از منطقه الدوره در بغداد ربوده شده بودند و جسد آنان در تاریخ ۲ آگوست ۲۰۰۵ در منطقه المعالف در جنوب بغداد پیدا شد بر عهده گرفت.

۷- سپاه عمر

سازمان "قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین" در تاریخ ۵ ژوئیه ۲۰۰۵ تشکیل این گروه را اعلام کرد و مدعی شد قتل اعضای کادر سازمان بدر توسط آن انجام شده است. رهبر این سازمان جمال التکریتی است که "ابواسلام" نامیده می شود. او از عشیره البوناصر در تکریت و یکی از همکاران زرقاوی است این گروه تا تاریخ ۲۹ آگوست ۲۰۰۵ انجام ۲۰۰ عملیات ترور و ترور تعداد زیادی از اعضای جنبش های اسلامی و ملی از جمله منشی دفتر عادل عبدالمهدی و مدیر دفتر احمد چلبی را بر عهده گرفته است. انفجار ساختمان موسسه شهید محراب در تلعفر در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۵ نیز از سوی این گروه بر عهده گرفته شد.

۸- گروه الانصار وابسته به گردان انتحاری براء بن مالک

گروه گردان براء بن مالک مسئولیت ۱۱ عملیات در فاصله زمانی ۹ ژوئن ۲۰۰۶ تا ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶ و ?? عملیات در فاصله زمانی ۲۰ تا ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۶ از جمله یک خودروی بمب‌گذاری شده وانفجار یک کمربند انفجاری را بر عهده گرفت.

۹- جیش محمد (الحق)

شامل مجموعه ای از تکفیری ها و بعثی ها و طرفدار تبعیض نژادی بر اساس انتساب‌های عشیره ای است. این گروه برای بازگرداندن حزب بعث اقدام می کند و شعار آن "حکومت برای اعراب سنی عراق است" بوده است.

۱۰- گروه ابوایمن

حوزه فعالیت این گروه در موصل و فلوجه است. این گروه در فعالیت های خود به تجربه تکفیری هایی متکی است که در گذشته عضو ارتش عراق بودند و دوره هایی را در مدائن واقع در بغداد برگزار می کنند.

۱۱- گردان زبیر بن عوام

حوزه فعالیت این گروه مناطق ابوغریب، الرضائیه، خان ضاری و الزیدان است و رهبر آن ابوزبیده البابلی است. این گروه در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۵ بیعت خود را با سازمان قاعده الجاد فی بلاد الرافدین اعلام کرد ولی در گذشته به گردان های ثوره العشرین وابسته بود. شیوه کاری آن به کارگیری خودروهای بمب‌گذاری شده، بمب‌گذاری و پرتاب موشک است.

۱۲- گردان حسن بصری

این گروه در تاریخ ۳۱ سپتامبر ۲۰۰۵ بیعت خود را با القاعده در عراق اعلام کرد و حوزه فعالیت آن در ابوالخطیب، الامتیه و الزبیر است. گروه یاد شده در بصره عملیات های تروریستی را بر ضد نیروهای نظامی انگلیسی و عراقی و غیرنظامیان شیعه انجام داده است و شیوه کاری آن بمب گذاری، خودروهای بمب گذاری شده، عملیات انتحاری و ترور است. گردان حسن بصری برای اولین مرتبه بین آگوست و سپتامبر ۲۰۰۴ ظهور کرد و اعضای آن از عشیره غائم بصره هستند که رویکردی تروریستی دارد. رهبر این گروه ابوحدیفه عراقی است و بین سپتامبر ۲۰۰۴ تا مارس ۲۰۰۵ این گروه مسئولیت ۲۴ حمله از جمله ۱۶ مورد بمب‌گذاری و عملیات های ترور متعددی را در بصره بر عهده گرفت.

نتیجه

در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غربیان گام برمی‌دارد. حضور این افراد در محافل و جوامع و انتشار آثار و فرآورده‌های فرهنگی آن در برخی از مراکز، باعث جلب توجه برخی از جوانان پرشور که از اقدامات سرکوبگرانه اشغالگران به ستوه آمده‌اند، شده است و برای رهایی از این فشار، زمینه را برای گرویدن به این جریان‌های افراطی مناسب دیده‌اند. باید توجه داشت یکی از مهمترین اقدامات فرهنگی که می‌تواند در مواجهه با چنین برداشت‌های نادرستی از اسلام و سنت به کار آید استفاده از همه امکانات و ظرفیت‌هایی سازمان‌های تقریبی است.